

# تمدن و فرهنگ ایران

## دوره سنگ افراستی

دوران‌های مربوط به پیدایش نوع بشر و تاریخ تمدن آنرا در پیش از تاریخ معمولاً بسه عهد تقسیم میکنند:

۱- عهد احوال ابتدائی که بشر در این عهد فقط از حیث قوای عقلی بر حیوانات برتری داشته و اثری جز چند تکه استخوان از وی باقی نمانده است:

۲- عهد حجر که بعقیده

بعضی از محققان از پنجاه تا صد هزار سال قبل از میلاد شروع میشود و بسه دوره پالئولی تیک «پارینه سنگی»<sup>۱</sup> مزولی تیک «میانه سنگی»<sup>۲</sup> و نئولی تیک «نوسنگی»<sup>۳</sup> تقسیم میگردد.

۳- عهد فلزات که از هفت هزار سال پیش از میلاد آغاز

بقلم: سیدالدین قائم مقامی  
(دکتر و تاریخ)

میشود و معمولاً قسمتی از آنرا مقارن شروع تاریخ میدانند؛ در این جا باید یاد آور شد که در عهد بالا سیر تکامل تمدن بشری در همه جا یکسان و تاریخ شروع آن در یک زمان نبوده است. اقوام مختلف درازمنه متفاوت در بعضی از مراکز اجتماعات انسانی بمرحله‌ای از تمدن رسیده‌اند که در نقاط دیگر مدت‌ها طول کشیده تا هم‌نوعان آنان بتوانند به آن مراحل برسند. مثلاً استفاده از فلز که در شرق از حدود هفت تا پنج هزار سال پیش از میلاد آغاز میگردد در غرب ظاهراً دو هزار و سیصد سال قبل از میلاد جلوتر نمیرود و با خط و کتابت که در شرق از اواخر دوره مفرغ رواج داشته و دوره تاریخ آغاز گردیده بوده در اروپا هنوز خط و کتابتی وجود نداشته و مردم آنجا در دوره پیش از تاریخ بسر میبردند.

استعمال آهن که در شرق از حدود دو هزار سال پیش از میلاد یعنی در بحبوحه دوره تاریخی شروع میشود در غرب تا حدود یک هزار سال قبل از میلاد مورد استعمال آنرا تقریباً نمیدانستند و شاید هنوز بخط و کتابت هم آشنائی نداشته‌اند چه تا کنون اسناد و مدارک کتبی از این زمان بدست نیامده است. دو دوره نئولی تیک که باید شروع آنرا در فاصله هزاره دهم تا هزاره ششم قبل از میلاد دانست بیک نوع بناهای سنگی بر میخوریم که بدست بشر وجود آمده و بفراسه آنها را *Monuments Megalithiques* مینامند این بناهای سنگی بر چهار نوع میباشد.

اول- سنگ افراشت‌های *Menhir* ها که بزبان سلتی از دو قسمت *Men* بمعنی سنگ و *hir* بمعنی درازتر کیب شده و ترجمه آن سنگ دراز میشود. این نوع سنگ‌ها عبارت از سنگ‌های بسیار بزرگ و درازی میباشد که بطور عمودی در دل خاک فرو برده شده‌اند بنحویکه قسمت اعظم آنها از زمین بیرون است و چنانکه نوشته‌اند بلندترین سنگ افراشت *Maner Groah* بوده که در بخش *Locmariaquer* در ولایت مر بیهان فرانسه قرار داشته و در حدود بیست و سه متر و نیم طول آن بوده ولی بر اثر زلزله و یا صاعقه بزمین افتاده و خرد شده

است. اما سنگ افراشت Kerloas که دوازده متر ارتفاع دارد در بخش Plouazel از ولایت فینیستر فرانسه هنوز برپا میباشد.

دوم- حصار سنگی‌ها یا Gromlech ها که لغت آن ازدو کلمه Crum یعنی منحنی و Lech بمعنی سنگ ترکیب یافته و عبارت از مجموع چند سنگ افراشت است که با فاصله‌هایی اغلب تقریباً مساوی از یکدیگر معمولاً باشکال بیضی، دایره، نیم‌دایره، مربع و یا مستطیل قرار گرفته‌اند و بعضی اوقات در مرکز آنها سنگ افراشت دیگری واقع شده که از دیگران بزرگتر میباشد.

سوم- سنگ رده‌ها یا Aligment ها که از یک یا چند ردیف موازی سنگ افراشت تشکیل شده است.

چهارم- خانه سنگی‌ها یا Dolmen ها که بزبان سلتی آنانرا Tolmen یعنی میز سنگی میگفته‌اند از دو قسمت Dol بمعنی میز و Men بمعنی سنگ ترکیب گردیده و عبارت از اطاق‌های کوچک و یا بزرگی هستند که در آنها مردگان را قرار میدادند و ساختمانشان شامل چند سنگ دراز میباشد که بحال عمودی و نزدیک یکدیگر در زمین برپا شده‌اند و بر روی آنها یک یا چند تخته سنگ مسلح، بطور افقی و پهلوی هم خوابانیده‌اند بقسمیکه سنگ‌های عمودی پایه‌ها و یادبواری اطاق و سنگ‌های افقی سقف آنها تشکیل میدهند و از مجموع سنگ‌های مذکور بنائی بوجود آمده که بشکل میز سنگی و یا خانه سنگی میباشد و همیشه لااقل یک ظرف آن باز و یا دارای در و یا سوراخی است.

این بناها دارای انواع متفاوت هستند و بزبانهای عامیانه در ممالک مختلف آنان را سنگ‌پری، غارپری، خانه پری، تخت غول و در شمال افریقا ماوی جن مینامند.

طبق تحقیقات علمی که شده و نظریاتی که ابراز گردیده کلیه بناهای سنگی بر روی زمین دارای جهاتی هستند که با وضع ستارگان در آسمان تنظیم شده بوده است. بدین معنی که اگر کلیه سنگ افراشت‌های عالم، منشورهای تصور شود که قاعده آنها کثیرالاضلاع است همیشه ضلع بزرگ این کثیرالاضلاع

در جهت برآمدن خورشید در آسمان و در برابر جنوب میباید. حال اگر قاعده منشوری مثل سنگ افراشت شامپو<sup>۴</sup> مربع باشد بناچار ضلع مربع در جهت برآمدن آفتاب و هریک از سطوح اطراف منشور در مقابل جهات اربعه است. اما در سنگ افراشت های توأمان مانند کوزا و رهای «گفتگو کنندگان» جزیره سن<sup>۵</sup> پیژ و هل «سنگ دو قلو» های منت سن الوای پا دو کاله<sup>۶</sup> در فرانسه و دو خواهران جزیره خارک خطی که دو سنگ افراشت را ولو با فاصله چند کیلومتر بهم وصل میکنند دقت شود باز خط مزبور در جهت برآمدن آفتاب است.

در حصار سنگی ها که باشکال متفاوت نیم دایره، دایره، بیضی، مستطیل مربع و غیره بنا شده اند در ساختمان آنها نیز رعایت جهات اربعه، حرکت خورشید در فصول مختلف سال و بالاخره تقارن بعضی از سنگ افراشت ها با ستارگان گردیده است مثلاً در حصار سنگی کرو کونو<sup>۷</sup> که بشکل مربع کامل میباشد هر سمت آن دقیقاً بایکی از جهات اربعه مطابقت دارد و اقطار قاعده مربعی آن با انقلاب های<sup>۸</sup> تابستانی و زمستانی آفتاب تطبیق میکند، در حالی که منصف شرقی غربی قاعده آن در جهت اعتدال<sup>۹</sup> بهاری و پاییزی است همچنین در ساختمان حصار سنگی استون هنج<sup>۱۰</sup> در شمال سالیسبوری<sup>۱۱</sup> در ویل شایر<sup>۱۲</sup> انگلستان که یکی از زیباترین و کاملترین بناهای سنگی عالم میباشد از نظر علوم ریاضی، هندسه و نجوم نهایت دقت شده است. ولی چون توجیه آن محتاج شرح مفصل خواهد بود که ما را از مطلب دور خواهد انداخت از بحث درباره آن خودداری میشود<sup>۱۳</sup> و فقط از آنچه برای شناختن سن این حصار سنگی

4 - Champeaux در ولایت Ille - et - Vilain

5 - Les Causeurs P'Ile de Sein

6 - در Les «Pierre Jumelles» de Mont - Sait - Eloi Pas de Calais

7 - Crucuno 8 - Solstice . 9 - Equinoxe 10 - Stonchenge 11 - Salisbury

12 - Wiltshire

۱۳ جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره استون هنج و ساختمان آن رجوع شود بکتاب

Stonehenge and Avb and Neighbouring Monuments. By: R.J.C.

Atkinson

استفاده شده و نسبت بسایر بناهای سنگی کم و بیش قابل اعمال است یاد می‌گردد. جهت شناختن سن حصار سنگی استون هنج سه طریقه بکار برفته است که هر سه آنها با تقرب یکصد و پنجاه سال اختلاف به نتیجه واحد رسیده‌اند.

۱- طریقه باستانشناسی - بوسیله بررسی اشیاء سنگ چخمافی<sup>۱۴</sup> که در حفاریهای داخل حصار سنگی مزبور بدست آمده و مربوط به اواخر دوره نئولی تیک در اروپا یعنی تقریباً دو هزار سال پیش از میلاد میباشد.

۲- طریقه نجومی - در سال ۱۹۰۱ سر نورمن لا کیر<sup>۱۵</sup> منجم انگلیسی طبق انحرافی که در ۲۱ ژوئن بین نقطه برآمدن آفتاب و محور حصار سنگی استون هنج و همچنین یکی از سنگ افراشت‌های آنکه هر دو در سابق با برآمدن خورشید در این روز میزان بوده‌اند، مشاهده نمود، از روی زاویه انحرافی که با اعتدال بهاری پیدا شده بود، تاریخ بنای این حصار سنگی را در حدود ۱۸۵۰ سال قبل از میلاد تقویم کرد.

۳- طریقه فیزیک جدید - در سال ۱۹۵۰ باستانشناسان انگلیسی در ضمن حفاری حصار سنگی استون هنج بقطعه ذغال چوبی برخوردند و آنرا به آزمایشگاه پروفیسور لیب بی<sup>۱۶</sup> در شیکاگو که متخصص در تعیین تاریخ اشیاء قدیمی بوسیله روش معروف به «کاربن ۱۴»<sup>۱۷</sup> است فرستادند. آزمایشگاه مذکور باروش نامبرده که مبتنی بر خواص رادیواکتیویک ایزوتوپ کاربن معمولی داخل در ماده ارگانیک است، پس از آزمایشهای لازم، سن آنرا در حدود ۱۸۴۸ پیش از میلاد برآورد کرد.

در بنای سنگ رده‌ها نیز رعایت تنظیم با حرکت ستارگان و مخصوصاً خورشید شده است مثلاً در سه سنگ رده کرلسکان<sup>۱۸</sup> کرماریو<sup>۱۹</sup> و منک<sup>۲۰</sup> منطقه کارنال<sup>۲۱</sup> در فرانسه اولی در جهت برآمدن و آغاز اعتدال بهاری و یائیزی،

14-Silex 15-Sir Narman Gochyer

16- Prof Willard F. Libby 17- Corlonly 18- Kerlesan

19-Kermario Aarmariq 20- Menec 21- Yareac

دومی بر روی طلوع انقلاب تابستانی و سومی روی يك طالع حد وسط قرار دارد. اما درخانه سنگی ها که برای قراردادن نعش و یا استخوان مردگان در آنها، ساخته شده اند و از لحاظ ساختمان کاملترین نوع بناهای سنگی میباشند مراعات جهات اربعه گردیده است گوا اینکه بسیاری از باستان شناسان عقایدی در این باره اظهار داشته و هر يك سعی نموده اند دلایلی برای آن بیاورند و یا آنها را بجهت دیگر منتسب سازند، ولی آنچه در بنای خانه سنگی ها بیشتر شایان دقت و حائز اهمیت است هنر و صنعتی می باشد که در آنها بکار گرفته است مثلاً بر روی پایه های عمودی بعضی از خانه ها حجاریهائی شده و نقوشی گردیده که بهترین معرف هنر حجاری در این دوره می باشد. در حالیکه در بسیاری دیگر علم و صنعت و جد و جهد افراد دست بدست هم داده و آثاری چنان عظیم بوجود آورده اند که انسان از دیدن آنها بحیرت می افتد و برای نمونه از چندتای آنها در زیر یاد میشود اما چون حجم و وزن دقیق پایه های عمودی اغلب خانه سنگی ها بعلمت مستور بودن از خاک هنوز معلوم نیست، لذا تنها بد کرا ابعاد حجم و وزن تخته سنگهای سقف آنها که بطور اقلی بر روی پایه ها قرار دارد و در واقع سقف را تشکیل میدهد اکتفا میگردد.

الف - سنك سقف یکی از سه خانه سنگی حاھون ۲۲ در شمال سئول در کشور کره که از همه بزرگتر است دارای هفت متر طول، چهار متر و نیم عرض، يك متر ضخامت و در حدود سی و یک متر مکعب حجم و بیش از شصت تن وزن می باشد.

ب - سنك سقف خانه سنگی آنت کرا ۲۳ در اندلس اسپانیا دارای هشت متر طول، شش متر و نیم عرض یک متر ضخامت، تقریباً پنججاه و دو متر مکعب حجم و بیش از یکصد تن وزن است.

ج - سنك گرانیث ۲۴ کیبود رنك خانه سنگی گاست ۲۵ در کالوادوس ۲۶ در

22- Ha- Heum 23- Antyuera 24- Grenit 52- Gast

امروزه این سنك شکسته و بدو قسمت تقسیم شده و بهمین جهت آن را می نامند. Pierre Cuplee  
26- Calvados در نرناندی

فرانسه دارای ده متر و شصت سانتیمتر طول، سه متر و نیم عرض، چهار متر ضخامت، در حدود یکصد و چهل و هشت متر مکعب حجم و بیش از سیصد تن وزن میباشد.

در اینجا باید خاطر نشان ساخت که کلیه سنگهاییکه در ساختمان بناهای سنگی بکاررفته در همانجا بدست نیامده و گاه از محلی صدها کیلومتر دورتر بدان مکان حمل شده است. حال آیا چه وسیله نقلیه ای این سنگها را از نقطه ای بنقطه دیگر انتقال داده؟ راه شوسه ای که قدرت تحمل عبور چنین وسیله نقلیه و بار سنگین آنرا داشته چگونه بوده؟ آیا بچه طریق و ترتیب توانسته اند سنگهای مزبور را بحال عمودی و داشته بر روی آنها سنگ دیگری را بحال افقی سوار کنند؟ آیا بچه نحو از موقع خورشید و سایر ستارگان و طرز حرکت سیارات در آسمان با خبر بوده اند تا در ساختمان بناهای سنگی خود از آنها استفاده نمایند؟ همه مسائلی هستند که متاسفانه پاسخ بدانها میسر نیست. گویانکه بعضی از دانشمندان سعی نموده اند بکمک حدس و گمان راه حل هایی برای آنها ارائه دهند و با توجیه های خود دیگرانرا قانع سازند. اما آنچه بطور قطع و یقین و بجرئت میتوان گفت کسانیکه در حدود دو تا سه هزار سال پیش از میلاد قادر بانجام چنین اعمالی بوده اند در مراحل عالی تمدن بشری قرار داشته اند و میزان تمدن و سطح فرهنگ آنها قسمی نبوده که بشر بتواند در عرض مدت کوتاهی بآن پایه برسد، بلکه هزاران سال وقت گذشته و کوشش های بسیار شده تا چنین تمدن و فرهنگی بوجود آمده است. این بناهای سنگی که از ژاپن و کره تا ایرلند و ازیسیلان و هند تا سوئد بطور پراکنده دیده میشود با استثناء بعضی از بناهای سنگی هند و جنوب آسیا که بقرون جدیدتر مربوط میباشد بقیه بناهای سنگی تقریباً بهمان نسبت که از سرزمین آریا و آسیای میانه خواه بسوی شرق و یا غرب دور میگردد سن آنها کم میشود بقسمیکه بنابر برآوردهائی که از راههای مختلف شده است تاریخ تقریبی ساختمان برخی از بناهای سنگی آسیا از دو هزار و پانصد سال

پیش از میلاد تجاوز می‌کنند در حالی که بناهای سنگی اروپای غربی بین سالهای دو هزار و پانصد تا هزار و پانصد قبل از میلاد ساخته شده‌اند و همین تقدم تاریخی میرساند که مهد تمدن بناهای سنگی در آسیا و باغلب احتمال در «ایران بزرگ» قرار داشته و بعدها دسته‌هایی از آسیا باروپا و شرق دور مهاجرت کرده و علم و هنر و صنعت و معماری خود را با آنجا برده و ساختمان این نوع بناها را رواج داده‌اند. حال باید دید راهی که دسته‌های مزبور برای رسیدن بشرق دور و اروپا مخصوصاً اروپای غربی در پیش گرفته‌اند کدام است؛ و انگیزه‌ای که آنها را براه پیمائی دور و دراز واداشته‌چه بوده است؛ البته تعیین دقیق چنین راهی بعد از چهار هزار و پانصد سال کار آسانی نیست ولی از روی بناهای سنگی که در مسیر مهاجرین بنا شده و هنوز پابرجا می‌باشد میتوان حدس زد که سرزمین‌هایی که این بناهای سنگی در آن قرار دارد، روزگاری مسکن کسانی بوده که چنین بناهایی را می‌ساختند و بر سر راههای آسیای میانه بشرق دور یا اروپای غربی در مناطق و کشورهای زیر بناهای سنگی یافت میشود. در کشورهای ژاپن و کره، در تبت، در ناحیه دیلمان و اهلش در شمال ایران<sup>۲۷</sup> در دامنه‌های کوه سبلان در آذربایجان<sup>۲۸</sup> در حوالی لنکران در طالش<sup>۲۹</sup> در دره اسکل<sup>۳۰</sup> و جنوب شرقی شبه جزیره کریمه، در شمال ولایت آدرنه

۲۷ - برای اطلاع از بناهای سنگی منطقه دیلمان و املش رجوع شود بمجله

Antiquités nationales et internationales

III e année No 11-12 decembre 1962.

Cahier trimestriels sous la direction de Anre, Varagnas avec la collaboration du musée d'Antiquités nationales Centre d'étude Pré et protohistoriques de l'école pratique hautes études (Sorbonne)

گزارش محسن مقدم استاد دانشگاه تهران

۲۸ - راجع به بناهای سنگی پیش از تاریخ در ایران، از جمله آثار موجود در دامنه‌های کوه سبلان در آذربایجان تا کنون هیچگونه تخمینی دقیق علمی بعمل نیامده است و تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد تنها مدرک کتبی که وجود عده‌ای بنای سنگی را در دامنه قله سبلان اطلاع میدهد همانا گزارشی بصورت مقاله تحت عنوان «سنگ نبشته‌هایی در اطراف سبلان» بقلم آقای کام‌بخش فرد در مجله باستان‌شناسی و هنر ایران - شماره اول زمستان ۱۳۴۷ می‌باشد



یا آندرنیویل<sup>۳۱</sup> ولی در خاک بلغارستان، و بالاخره در ممالک سوئد، دانمارک، آلمان، هلند، بلژیک، فرانسه، اسپانیا و انگلستان. همچنین در حوزه مدیترانه در منطقه فلسطین و کشور اردن، در ولایت ناپل و لمباردی<sup>۳۲</sup> در ایتالیا و در جزیره کرس و ساردنی.

حال اگر اهاکن و کشورهای نامبرده را بروی نقشه جغرافیا باخطوطی بهم وصل کنیم چهارراه تقریبی آسیای میانه بشرق دوریا ایران باروپای غربی بشرح زیر بدست خواهد آمد.

۱ - راه آسیای میانه، تبت، کره و ژاپن.

۲ - راه ایران، قفقاز، کریمه، روسیه، ممالک اسکانندیناوی، آلمان، هلند، بلژیک، فرانسه و انگلستان.

۳ - راه ایران، قفقاز، کریمه، بلغارستان، آلمان، فرانسه، اسپانیا و انگلستان.

۴ - راه ایران، فلسطین یا اردن و بالاخره راه دریائی ایتالیا، جزایر کرس و ساردنی، فرانسه و اسپانیا این راهها که از اتصال سرزمینها و نقاطی که بناهای سنگی در آنها واقع میباشند بدست آمدتنها بر حدس و گمان متکی نیستند بلکه کاوشهای باستانشناسان و اشیائی که از زیر خاک در سرزمینهای آسیائی و ممالک مختلف اروپای غربی کشف گردیده نشان میدهد که در

اما آنچه مسلم است در روستاهای ایلان لو از شهرستان مشکین شهر ونشیتان (نشت اوغلی) از شهرستان سراب و نقاط دیگر در آذربایجان بمقدار فراوان بناهای سنگی وجود دارد که تعداد سنگ افراشتهای آنها بچند صد سنگ افراشته میرسد و شاید مهمترین آنان «چهل دختران» در قریه فشتیان باشد.

۲۹ - جهت مطالعه درباره بناهای سنگی حوالی لنکران رجوع شود بکتابهای:  
الف - هیئت علمی فرانسه در ایران - مطالعات جغرافیائی، تألیف: ژاک دومرگان ترجمه و توضیح دکتر کاظم ودیمی از انتشارات چهار - تبریز. سال ۱۳۳۸ صفحات ۳۱۷ تا ۳۲۵

ب - Mission scientifique en Perse Par: J. de Morgan - Tame  
IV Recherches archéologiques. Paris 1896

Skele - ۳۰

۳۱ - Ardriнопle. ۳۲ - Lombardie.

قرون بعد هم راههای مزبور مورد رفت و آمد اقوام و افراد بوده است و هنوز هم راههای اصلی آسیای میانه بشرق دور و ایران باروپای غربی تقریباً از همین مناطق میگذرد.

اما با يك دقت مختصر در وضع راههای فوق که بر حسب توزیع بناهای سنگی تنظیم گردیده برید گیهائی در آنها ملاحظه میشود که مربوط بعدم وجود بناهای سنگی در قسمت هائی از آسیا و اروپا میباشد.

چه بطوری که از تحقیقات باستانشناسان نیز برمیآید در اروپای شرقی، مرکزی و شمالی باستثناء ممالک اسکاندیناوی بنای سنگی وجود ندارد و علت نبودن بناهای سنگی در اروپای شرقی، مرکزی و شمالی دو چیز است.

۱ - وجود اقوام و طوایفی در این نواحی که هیچگاه پیرو آداب و رسوم ساختمان بناهای سنگی نبوده اند و شاید بامهاجرینی که از چنین طریقه ای پیروی میکردند مخالفت میورزیده و مانع از اقامت آنها در نواحی مزبور میشده اند و بهمین جهت مهاجرانی که از آسیا باروپا میرفتند ناچار میگردیدند، از سرزمینهای آنها گذشته بنقاط دورتری بروند تا بتوانند با فراغ خاطر با اجرای مراسم و مناسک خویش بپردازند.

۲ - خصوصت پیروان ادیان و مذاهب مختلف در ادوار متفاوت بامعتقدین فرقه مذهبی که بساختن بناهای سنگی مبادرت میورزیدند و از نظر تعصبات دینی بآزار و اذیت پیروان این فرقه کوشیده بقصد انجام يك کار نيك یعنی از بین بردن آثار الحاد و بت پرستی بتخریب بناهای سنگی میپرداختند، چه این بناها را کار دیوان نابکار و یا یادگار هائی از دوره بربریت و پرستش اشیاء و بالاخره بت پرستی می پنداشتند.

در صورتیکه آنها در حقیقت شاهکار هائی از علم، هنر، صنعت، فعالیت، سعی و پشتکار بشری بودند که بدست نابخردانی متعصب ویران میگردیدند. در اشعار شعرا، در ادبیات عامیانه، در افسانه های کهن ملی آریائی، ضمن شرح زندگی ودلاوریهای پهلوانان و مبارزات آنها با دیوان و بدکاران، اغلب اشاراتی بخراب کردن بناهای سنگی میشود، و همین اشارات میرساند

که از قدیمترین ادوار پیوسته اشخاصی در ویرانی و نابودی این بناها دست داشته‌اند. در بعضی از کتب مذهبی و در پاره‌ای از آثار نویسندگان که درباره ادیان یهود، مانوی، مزدکی و مخصوصاً زرتشتی مطالبی نوشته شده بطور جسته گریخته از مخالفت شدید این ادیان با فرقه منسوخه‌ایکه طبق آداب و رسوم خویش بناهای سنگی میساختند، سخن بمیان آمده ولی در دین عیسوی و بویژه کلیسای کاتولیک این مخالفت بصورت فتاوی و قوانین مذهبی درآمده و فرمانهایی در هزاره اول میلادی راجع بآن صادر شده‌است که بخاطر اجتناب از تطویل کلام از ذکر آنها خودداری میشود.

حال باید دیدطریقه مذهبی که بساختن بناهای سنگی مبارت میورزیده و این قدر مورد عداوت ادیان و مذاهب مختلف در ادوار متفاوت قرار گرفته چه بوده و چه تحولاتی پیدا کرده است؛ متأسفانه از اصول و عقاید این طریقه و دستگاه فلسفی آن اطلاعات کامل و درستی بما نرسیده‌است ولی آنچه بطور آشکار در آثار و بناهای آن ملاحظه میشود توجه مخصوصی بستارگان و نجوم و احترام آمیخته به پرستش نسبت به آفتاب از اصول عقاید آنها میباشد. این طریقه در طول تاریخ چندین هزارساله خویش تغییرات و تحولات بسیار یافته و بر حسب زمان و مکان و بنا بر معتقدات مذهبی اسامی فراوان مانند بت پرستی، آتش پرستی، آفتاب پرستی و غیره بخود گرفته فرق گوناگون از آن بوجود آمده و منشعب شده‌است تا جائیکه بعضی از آنها باصورت اولیه مثل روز و شب باهم فرق داشته و حتی ساختمان بناهای سنگی را از یاد برده‌است. معذالك طریقه مزبور همیشه در برابر تجاوزات و فشارهای ادیان و مذاهب دیگر برای حفظ بقای خویش سرسختانه مقاومت کرده و بمبارزات خصمانه پرداخته و نه تنها تسلیم نشده بلکه در سایر ادیان و مذاهب مخصوصاً زرتشتی تأثیر فراوان کرده است. باآنکه هیچگاه دین مطلق و واحدی در عالم نبوده ولی پیروان آن پیوسته طرف عناد پیروان دیگر ادیان و مذاهب واقع شده و گاه بحدی بایشان آزار و اذیت وارد آمده است که مجبور گردیده‌اند خانه و کاشانه و بناهای مذهبی خود را ساخته بنقاط دور دست بروند. پس عجیب نیست اگر امروز در سه

قاره آسیا، اروپا و آفریقا بناهای سنگی بتعداد زیاد دیده میشود. از طرفی چون سرزمین ایران مرکز پیدایش و پانثوونمای اغلب ادیان و مذاهب جهان بوده لذا مبارزه بر علیه طریقه ای که بناهای سنگی میساختند در این سرزمین از دیر زمانی پیش آغاز گردیده و بوسیله ادیان و مذاهبی هم که بعداً بوجود آمده پی گیر شده است. در نتیجه بناهای سنگی هم در این سرزمین زودتر و بیشتر از بین رفته است در حالیکه در کره و اروپای غربی مخصوصاً کشورهای فرانسه و انگلستان که از ایران دور بوده و مهاجرت بدین نواحی بعداً صورت گرفته آثار آن بیشتر باقی مانده است بقسمی که اکنون در ایران تعداد بناهای سنگی از چند صد عدد تجاوز نمیکنند در صورتیکه در فرانسه تعداد آنها به ۶۸۴۰ بالغ میگردد. بناهای سنگی که تا کنون در ایران دیده شده بیشتر از نوع سنگ افراشت های ساده، سنگ روده ها و خانه سنگی هاست و در دامنه های کوه سبلان در آذربایجان ۳۳ در نواحی دیلمان و املش و دو سنگ افراشت توأمان در جزیره خارک میباشد که اهالی این جزیره آنها را دو خواهر و دو برادر مینامند و عقیده دارند که این دو سنگ دو خواهر بوده که روزی لخت شده بودند تا در دریا شنا و شست و شو کنند ناگاه عده ای نامحرم بجزیره وارد میگرددند و به نزدیک آنها میرسند دو خواهران از خجالت و برای پوشانیدن بدن خود بهم میچسبند و در همین حال سنگ میشوند. اما خانه سنگی ها که بصورت اطاقک های کوچک و یابزرگی هستند که برای قرار دادن نعش و یا استخوان مردگان در آنها ساخته شده اند، همیشه لااقل يك طرف آنها باز و یادارای در و یا سوراخی است که اغلب بسوی خورشید نگاه میکنند، بصورت پابرجا در ایران تا بحال مشاهده نشده اند ولی اثر آنها را تا حدی

۳۳ - از جهت عکسهای که از بناهای سنگی پیش از تاریخ دامنه های کوه سبلان در این

مقاله بجا بر رسیده است خود را مرهون لطف آقای کامبخش فرد میدانند.

بر روی گورها در عقاید و آثار ادیان مزدائی و زرتشتی میتوان دید. اومستد در فصل دوم از کتاب تاریخ شاهنشاهی هخامنشی در مبحث دینهای پیشین ایران شرحی بطرز بیرون گذاشتن مردگان دارد که بیشتر بدین زرتشتی مربوط است و ترجمه آن عیناً نقل میگردد.

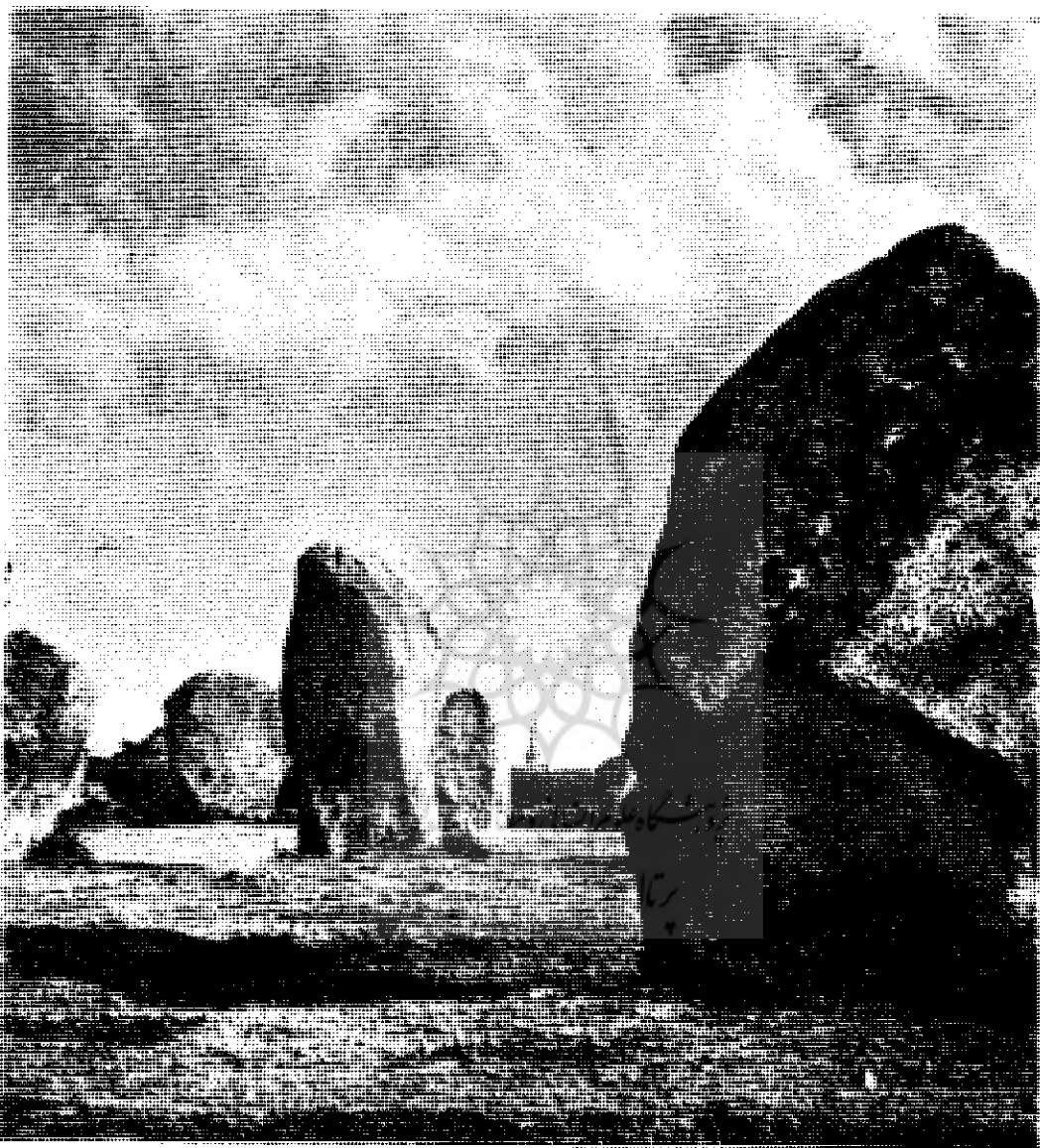
« باهمه نیروئی که اهریمن و دار و دسته‌ی دیوان داشتند، در زندگی،  
 « هر روزه ترسناک‌ترین آنها در وج نعش بود که بیشتر دادند دیوان (وندیداد)»  
 « درباره اوست. همسایگان و دشمنان میتوانستند مرده را به خاک بسپارند،  
 « یابسوزانند، ولی چنین طرز آسان بیرون گذاشتن مرده شایسته‌ی پیروان»  
 « مجوسیان نبود. باهمه احتیاط پیدا بود که در وج نعش زنده‌ها را با فاساد،  
 « اهریمنی و پلیدی خود خواهد پوشانید. از آن دمی که نفس تن را ترک میگفت،  
 « نعش ناپاک بود، چون در وج نعش نزدیک آن در هوا در پرش بود که بازماندگان»  
 « را گزند برساند. تنها بانگاهد اشتن سخت آئین دستور داده شده در امان بودند»  
 « مرده نباید خاک و یا آب مقدس را پلید کند، نعش را باید بر بلندترین  
 « نقطه‌های زمین گذاشت و موی سر و پای آنرا با دقت بزمین بست تا سگان»  
 « و گرگان آنرا بخورند فقط زمانی که استخوانها از ماده‌های مرده و خطرناک»  
 « پاک‌شد میتوان آنرا در استودانی گرد آورد استودان باید سوراخ داشته باشد»  
 « تا مرده بتواند باز به خورشید نگاه کند. این لکه‌ی استودان در تمام»  
 « نوشته‌های بعدی زرتشتی رخنه کرده و با انبوه و انبهای بدکار پر آزار خواننده»  
 « را افسرده و اندوهگین میسازد.»

در لابلای مطالب بالا میتوان اولاً تا حدی رویه و تأثیر طریقه مذهبی که بساختن بناهای سنگی میپرداختند (۱) در احکام زرتشتی یافت. ثانیاً شاید دلیل و فلسفه طرز ساختن خانه سنگی‌ها را که لا اقل یک طرف آنها باز و یادارای درو یا سوراخی است تا مردگان بتوانند از آن سوباز بخورشید نگاه کنند حدس

زد و دلیل ساختن گورهای پادشاهان هخامنشی را که تنها بایک در ورودی در دل کوه رحمت در شمال بناهای تخت جمشید در فارس و غیره بنا گردیده اند یافت. باری سخن در این باره بسیار است و بعلت کمی وقت از اظهار و بحث درباره آن خودداری میشود ولی اگر حمل بر گستاخی نگردد شاید بتوان گفت که بکار بردن ستونهای سنگی بلند در بناهای تخت جمشید و بعداً در یونان و روم اثر مستقیم و یا غیر مستقیم بناهای سنگی در طرز معماری سه کشور باستانی ایران و یونان و روم بوده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

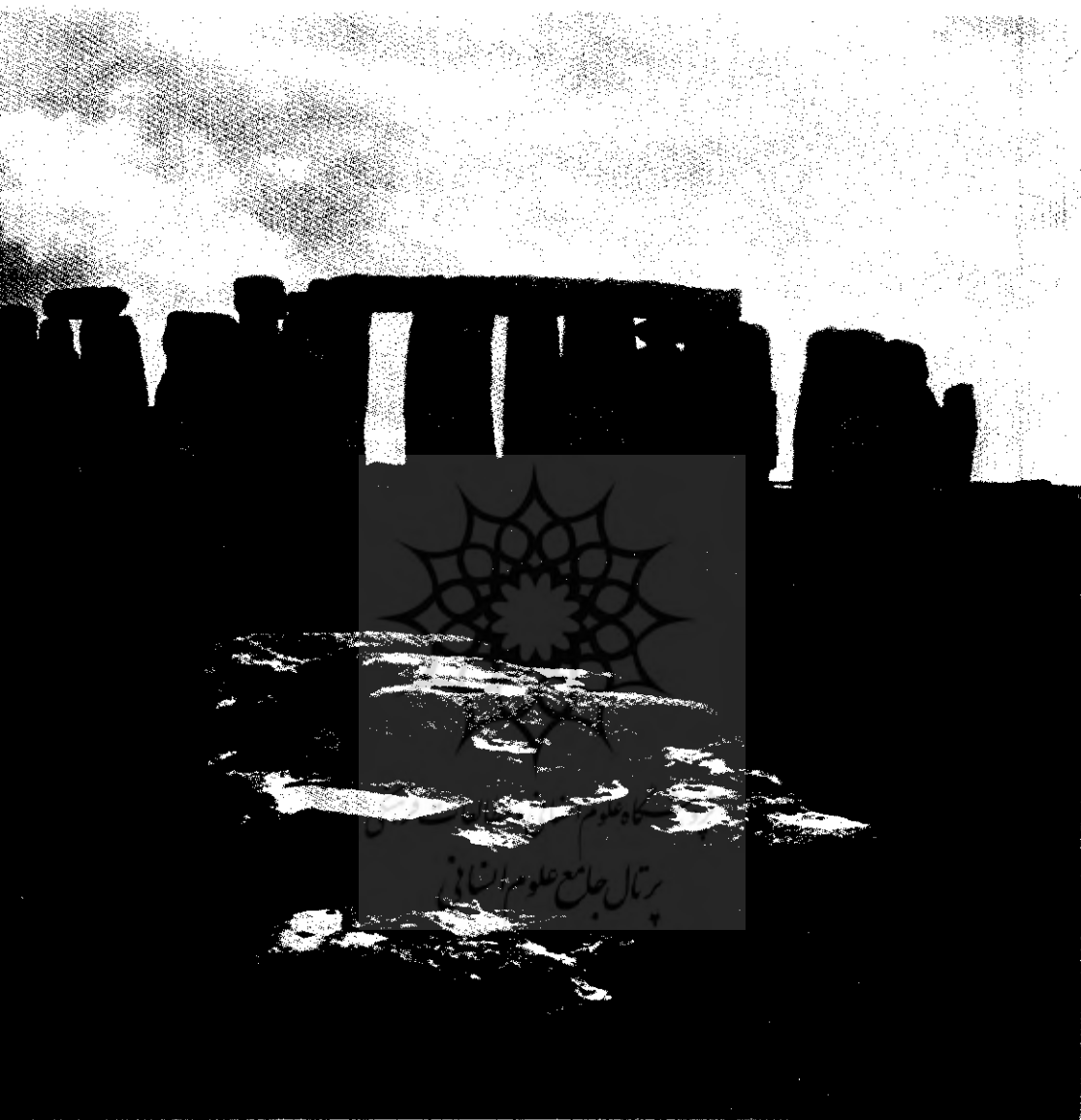


شکل ۱ - چند سنگ افراشت در منطقه کارناک در جنوب برتانی فرانسه

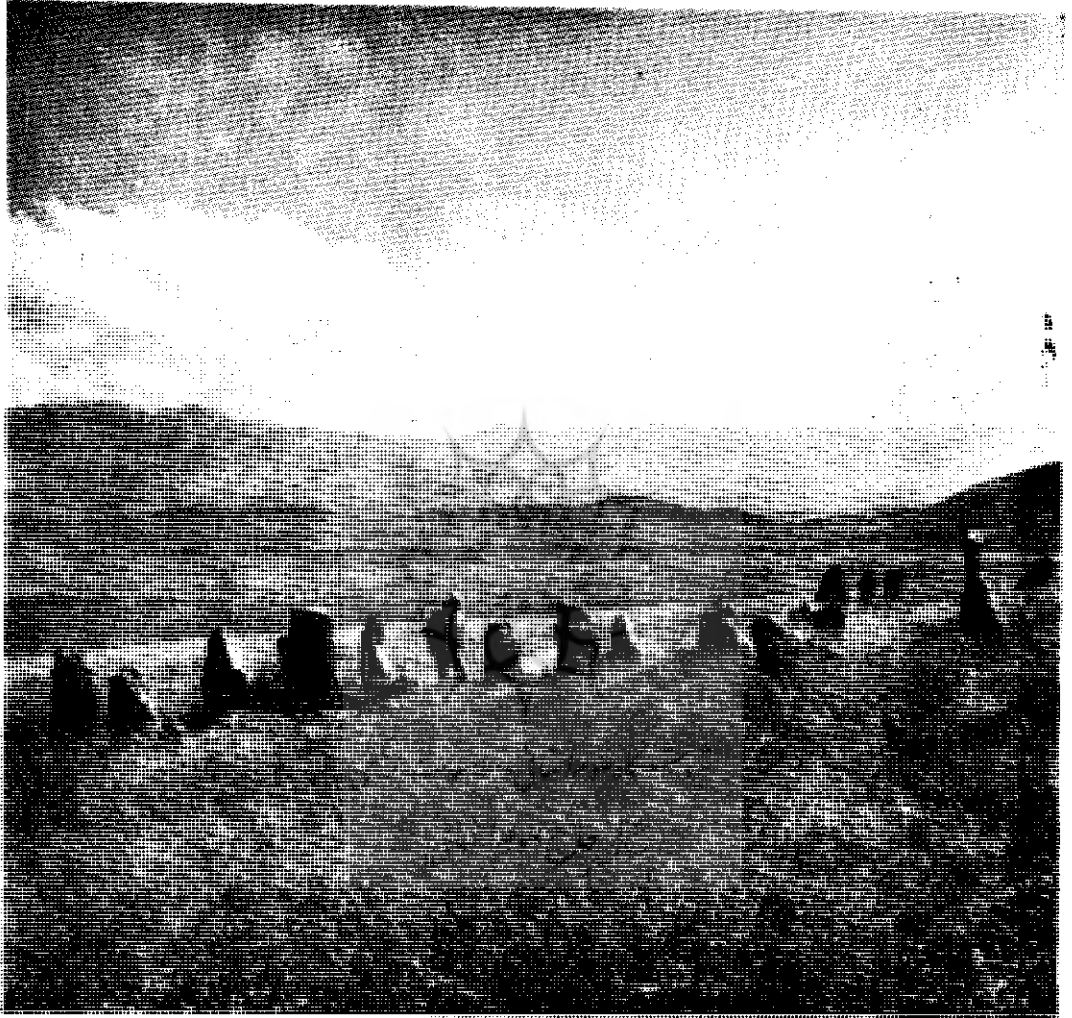


شکل ۲- خانه سنگی گیلی گی Guilligy در برتانی فرانسه





شکل ۳- حصار سنگی استون هنج در شمال سالیسبوری درویل شایر انگلستان



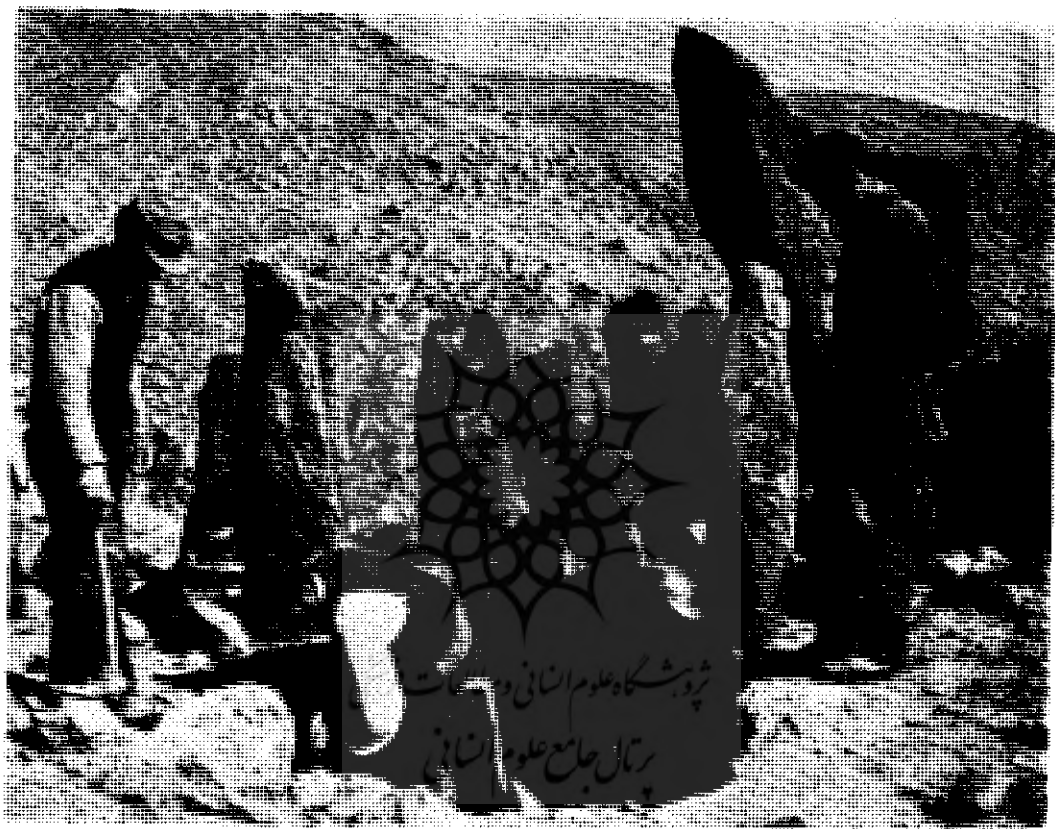
شکل ۴ - بناهای سنگی پیش از تاریخ دامنه های کوه سیلان در آذربایجان واقع در پای کوه ایلانلو نزدیک مشکین شهر



شکل ۵ - قسمت دیگری از بناهای سنگی پیش از تاریخ دامنه کوه سیلان در آذربایجان واقع در پای کوه ایلان‌لو نزدیک مشگین شهر



شکل ۶- بناهای سنگی پیش از تاریخ دامنه‌های کوه سبلان در آذربایجان معروف به چهل دختران نشتبان واقع در روستای نشتبان در شهرستان سراب



شکل ۷ - قسمت دیگری از بناهای سنگی معروف به چهل دختران نشتیان هنگام گمانه زنی کاوشگران اداره کل باستانشناسی ایران



شکل ۸- منظره دیگری از بناهای سنگی معروف به چهل دختران نشتبان هنگام بیرون آوردن یکی از سنگ افراشت هائیکه بزمین افتاده و بمرور زمان در زیر شن و خاک دفن گردیده است